

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (ص ۲۱-۳۷)

تحلیل روان‌شناختی تأثیر انگیزه در جزای عمل با تکیه بر متون دینی

The Psychological Analysis about the Effect of Motivation on Compensation by Relying on Religious Texts

✉ **حامد دژآباد** / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران.
سیده محبوبه کشفی / دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
محمود عاشوری / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران.

Hamed Dejabad / Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Campus Farabi, Qom, Iran. h.dejabad@ut.ac.ir

Seyedeh Mahboobeh Kashfi / PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Mahmood Ashouri / MSc in Quran Science and Hadith University of Tehran, Farabi Campus, Qom, Iran.

ABSTRACT

Motivation is an intrinsic factor that activates and directs people's behavior. One can understand the motives of one's self by analyzing one's behaviors and how one behaves in the face of others' actions. Understanding people's motivation is a good way to understand correctly the same compensation person. There are numerous cases in Islamic doctrine that have been introduced for the common motive of a convicted person's conviction, such as the convicted person's. The present study aims to investigate the psychological analysis of motivation and its effects from the viewpoint of God and the infallibles through a descriptive-analytical method and with a proper look at the verses and narratives. By examining the collection

چکیده

انگیزه، یک عامل درونی فعال‌ساز و جهت‌دهنده به رفتار افراد است. انسان می‌تواند با تحلیل رفتارهای شخص و نحوه برخورد وی در مواجهه با عملکرد دیگران به هم‌جهت بودن انگیزه‌ها پی ببرد. پی‌بردن به انگیزه افراد، راهگشای خوبی برای درک صحیح از جزای یکسان فرد راضی و عامل است. موارد متعددی در آموزه‌های اسلامی وجود دارد که به جهت انگیزه مشترک جزای فرد راضی همچون جزای فرد عامل معرفی شده است. این پژوهش، درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و با تأمل در آیات و روایات، به تحلیل روان‌شناختی انگیزه و جلوه‌های آن از دیدگاه خداوند و معصومین علیهم‌السلام بپردازد. بدین ترتیب، چرایی جزای یکسان شخص راضی و جزای عمل فرد عامل نیز تبیین شود.

of verses and narratives on the subject of motivation, the results of this research indicate that the motivation of the individual is effective on the quality of the compensation of the individual and can be considered the equality of the compensation of willing and the factor.

KEYWORDS: Motivation, Compensation, Religious Texts, Psychological analysis, Behavior.

با بررسی مجموعه آیات و روایات پیرامون موضوع انگیزه، نتایج حاصل از پژوهش حاکی از این است که انگیزه فرد در کیفیت جزای عمل فرد مؤثر است و می‌توان آن را عاملی مهم در یکسان شمردن جزای فرد راضی با جزای فرد عامل دانست.

کلیدواژه‌ها: انگیزه، جزای عمل، متون دینی، تحلیل روان‌شناختی، رفتار.

مقدمه

از جمله مسائل مهم که در مجموعه آموزه‌های اسلامی به تعدد به آن پرداخته شده است، مسئله «انگیزه» و انعکاس آن در رفتار و جزای عمل انسان است. در واقع، مسئله انگیزه یکی از مسائلی است که بررسی آن در روان‌شناسی اسلامی ارزش بالایی دارد و مطالعه آن می‌تواند بسیاری از مسائل روان‌شناختی را مورد تحلیل قرار دهد. انگیزه، محرک رفتار و نیرویی درونی است که موجب رفتار فرد می‌شود. به عبارت دیگر، فرایندی درونی است که موجب نیرومند کردن رفتار و روشن کردن نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌ها می‌باشد.

در منابع قرآنی و روایی چنین مفهومی با واژگانی از جمله اراده، رضایت، قصد و نیت به کار رفته است. با بررسی این‌گونه آیات و روایات به نظر می‌رسد که از منظر خداوند و معصومین علیهم‌السلام، قصد و انگیزه داشتن برای انجام عملی، موجب مشارکت در جزای آن عمل می‌شود و گاهی فرد بدون دخالت جوارحی، به‌عنوان شریک در انجام آن عمل معرفی می‌شود. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۱۸۳). مراجع ضمائر خطاب در آیه، قوم بنی‌اسرائیل حاضر در زمان پیامبر هستند که بنا بر نص آیه، خداوند متعال درخواست قربانی آنها را رد کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۰۱). عدم پذیرش به این دلیل بود که قصد آنها از این درخواست همچون گذشتگان‌شان، مفسده و تکذیب بود. از این‌رو، خداوند با توجه دادن به عملکرد یهودیان گذشته و نحوه برخورد آنها با انبیای قبل، از یکسان بودن نیت یهودیان حاضر در زمان پیامبر با یهودیان گذشته پرده برداشته و آنها را به جهت تأیید عملکرد

اجدادشان عتاب می‌کند.

با بررسی مجموع آیات قرآنی مرتبط و تشکیل خانواده حدیث به خوبی می‌توان دریافت که انگیزه، عنصری تأثیرگذار در رفتار و عملکرد افراد است و این تأثیرگذاری در جزای عمل فرد نیز ادامه دارد. تحلیل آیات و احادیث افزون بر پرده‌برداری از قدرت انگیزه، به چرایی جزای مشترک با فرد عامل نیز پاسخ می‌دهد و این خود نشان از فرهنگ غنی اسلام در زمینه روان‌شناسی دارد. زیبایی تحلیلی‌های قرآنی و روایی به این مسائل درخور توجه است؛ زیرا حقایق رفتاری و روانی مکشوف در علم روان‌شناسی، گاه برخواسته از روش آزمون و خطا و تحلیل داده‌هاست، اما تجلی علم خداوند در قرآن و سخنان معصومین علیهم‌السلام بی‌نیاز از به‌کارگیری روش‌هایی همچون آزمون و خطا هستند. از این رو، با پذیرش اصل حکیمانه بودن کلام خداوند و معصومین علیهم‌السلام، سعی بر آن بوده است که به تحلیل روان‌شناختی قدرت انگیزه پرداخته شود تا در همین راستا پاسخی مناسب برای چرایی جزای یکسان نیز داده شود.

تاکنون پژوهش‌های متعددی پیرامون بحث نیت و ارزش آن توسط محققان ارائه شده است که از میان آنها می‌توان به مقاله «جایگاه نیت در تفاوت بنیادین فقه و اخلاق» (متوسل آرانی، ۱۳۹۰)، «نقش نیت در ارزش اخلاقی» (مصباح، ۱۳۹۱) و «تأثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل از دیدگاه قرآن کریم» (رجبی، ۱۳۹۳) اشاره کرد. اما ویژگی مشترک این پژوهش‌ها، بیان تأثیر نیت بر جزای عمل است. لذا در این مجال، نگارنده به روش توصیفی - تحلیلی بر این امر اهتمام داشته است که تأثیرگذاری نیت فرد راضی و یکسان بر شمردن جزای فرد راضی همچون فرد عامل را با تکیه بر منابع قرآنی، روایی و مسائل روان‌شناختی، تحلیل کند.

مفهوم انگیزه

«انگیزه»، در اصطلاح مفهومی است که دو جنبه در آن لحاظ شده است: از یک سو، محرک رفتار و نیرویی درونی که موجب رفتار فرد می‌شود؛ از سوی دیگر، همان هدف و نتیجه‌ای است که هیچ رفتاری بدون وجود آن انجام نمی‌شود (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۶۰). در واقع، انگیزه فرایند درونی است که رفتار را نیرومند می‌سازد و اصطلاحی کلی برای مشخص کردن زمینه مشترک نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌هاست (ریو، ۱۳۹۵، ص ۱۴). انگیزه برخواسته از نیازهای افراد است که این نیازها قابل تقسیم به نیازهای فیزیولوژیکی، تعلق، احترام و

ایمنی هستند (سیف، ۱۳۸۷، ص ۲۳۲). هر یک از نیازهای مذکور، متأثر از شرایط و عوامل محیطی، خواسته‌هایی را در فرد به وجود می‌آورد که فرد در جهت پاسخ و ارضای آن نیازها تلاش می‌کند. آن‌گاه به دنبال ارضای نیاز، انگیزه و در پی آن یک رفتار خاص ایجاد می‌شود (اودانل، ریو و ایمیت، ۲۰۰۹، ص ۲۰۲).

لذا انگیزه همان محرک درونی است که از اعماق جان آدمی برمی‌خیزد و می‌تواند منشأ تحولات بسیاری شود و فرد را از بی‌تفاوتی و عدم تصمیم‌گیری نجات داده و به سوی مسئله‌ای خاص متمایل می‌کند. از این‌رو، می‌توان گفت: عامل میل و رغبت فرد به امری خاص برخواسته از انگیزه وی است. زمانی که موقعیتی با انگیزه فرد مطابقت داشته باشد، وی بدان متمایل می‌شود که این بیانگر قدرت انگیزه در ایجاد تمایل فرد به سوی امری خاص است. این مهم حقیقتی است که با تتبع در متون دینی قابل دریافت بوده و روان‌شناسان نیز با بررسی رفتارهای انسان به آن اذعان داشته‌اند.

انگیزه و نقش آن در رفتارهای همسو

خداوند متعال در آیه ۱۱۳ سوره مبارکه هود پیامبر ﷺ را از تمایل به ظالمان منع می‌کند: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ و به کسانی که ستم کرده‌اند، دل نبندید و میل و تکیه نکنید که آتش (غضب خدا) به شما می‌رسد، درحالی‌که شما را جز خدا هیچ یاور و سرپرستی نباشد و مورد نصرت خدا هم قرار نخواهید گرفت. فعل نهی «لا تركزوا» از ماده «رکن» است که در لغت به معنای تمایل داشتن و اطمینان داشتن است: «مال إليها واطمأن» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۵۴). ابوهلال عسکری در کتاب «الفروق فی اللغة» ماده «رکن» را به اطمینان و میل به چیزی از روی محبت و دوست داشتن تعریف می‌کند (عسکری، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۰۶). این واژه از جمله واژه‌های کلیدی در آیه برای تفهیم تأثیر انگیزه می‌باشد، چنان‌که با توجه به معنای لغوی ماده «رکن»، خداوند متعال از تمایل به ظالمان نهی می‌کند. در واقع، میل به سوی چیزی مقدمه و محرکه‌ای مهم برای انجام فعلی است. به همین خاطر، خداوند متعال در آیه مذکور مانع از میل پیامبر به ظالمان و در نتیجه همسویی انگیزه می‌شود؛ زیرا مقدمه میل، انگیزه است و امیال برخواسته از انگیزه منجر به بروز رفتارهای همسو و در نهایت، سزاوار جزای یکسان می‌شود. تعریف نمودار ذیل بیانگر همان سیری است که از آیه مذکور می‌توان برداشت کرد:

انگیزه مشترک ← میل ← اقدام و عمل (رفتار) همسو ← جزای (بازخورد) عمل یکسان با توجه به تعریف انگیزه و تأثیر آن در تمایل فرد می‌توان چنین نتیجه گرفت که انگیزه نقش مؤثری در تمایلات افراد و به فعلیت بخشیدن خواسته‌ها دارد. از این رو، با فهم انگیزه‌های مشترک می‌توان پیش‌بینی‌هایی از نحوه عملکرد آتی فرد باشد. چنان‌که خداوند پس از نهي از تمایل به ظالمان، به عاقبت چنین تمایل و اطمینان پرداخته است که این نحوه چیدمان متوالی و بدون فاصله میان نهي و جزای یکسان نشانگر نقش مهم و اثرگذار انگیزه در ایجاد تمایل و به فعلیت رساندن انگیزه دارد. تأثیر این مؤلفه مهم در آیات دیگر قرآن از جمله ۷۴ و ۷۵ سوره اسراء نیز تأیید می‌شود و قابل توجه است که در سوره اسراء نیز ساختاری مشابه در توالی نهي از تمایل و جزا به کار رفته است که مؤید قدرت انگیزه و تمایل مشترک در تعیین جزای افراد است. این اصل مسلم در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز موجود است، چنان‌که امام کاظم علیه‌السلام در خطاب به علی بن حمزه چنین می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ فَلَانًا يَا عَلِيُّ لَمْ تَشْهَدْ جَنَازَتَهُ قُلْتَ لَا قَدْ كُنْتُ أُحِبُّ أَنْ أَشْهَدَ جَنَازَةَ مِثْلِهِ فَقَالَ قَدْ كُتِبَ لَكَ ثَوَابُ ذَلِكَ بِمَا نَوَيْتَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ۵۲)؛ خداوند رحمت کند فلانی را، ای علی بن ابی‌حمزه! در تشییع جنازه‌اش حاضر نبودی؟ عرض کردم: خیر ولی دوست داشتم در تشییع شخصی مانند او حضور پیدا کنم. فرمود: پس به واسطه نیتی که داشتی، ثواب آن برای تو نوشته شد.

نمونه دیگر از روایات در این باب، از امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ لَيَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَكَذَا مِنَ الْبِرِّ وَوُجُوهِ الْخَيْرِ فَإِذَا عَلِمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِيَّةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا يَكْتُسِبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنْ اللَّهُ وَاسِعٌ كَرِيمٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۵)؛ بنده مؤمن فقیر می‌گوید: پروردگارا به من (مال و ثروت) روزی کن تا از احسان و کارهای خیر چنین و چنان کنم. (مثلاً مسجد بسازم و اطعام دهم و به بینوایان کمک کنم) و چون خدای عزوجل می‌داند نیتش صادق است و راست می‌گوید، برای او همان اجر و پاداش را می‌نویسد که اگر انجام می‌داد می‌نوشت، همانا خدا وسعت‌بخش و کریم است. بنا به تصریح معصوم علیه‌السلام در این دو روایت مذکور، می‌توان به نقش مهم انگیزه پی برد که منجر به برخورد و جزای یکسان همچون فرد عامل می‌شود.

این امر نیز با بررسی و تحلیل‌های رفتاری انسان‌ها نیز ثابت شده است. روان‌شناسان در بحث انگیزه و تأثیرات آن به تفصیل تألیفاتی را ارائه کرده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که

انگیزه ارتباط مستقیم با مشغولیت فرد و استقامت در عملکرد دارد. به عبارت دیگر، هرچه انگیزه فرد بیشتر باشد مشغولیت وی در تکلیف، ابتکار عمل و استقامت در عملکرد به مراتب بیشتر خواهد بود (ریو، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷-۱۷۸).

قدرت انگیزه در تبیین نگرش

بنا بر دیدگاه روان‌شناسان، انگیزه‌ها شامل دلایل شخصی‌اند که افراد برای علت رفتارشان بیان می‌کنند. بدین معنی که دلایل و توجیهات افراد پیرامون مسئله‌ای بیانگر نگرش افراد بدان مسئله می‌باشد و این نگرش همان عامل جهت‌دهنده انگیزه افراد است. در واقع، نگرش حلقه قبل از انگیزه را تشکیل می‌دهد. ازاین‌رو، انسان‌ها در قضاوت کردن‌های یکدیگر نگرش و اعتقادات خود را بروز می‌دهند و به نحوی، انگیزه و تمایل خود را نسبت به آن فرد یا مسئله نشان می‌دهند.

نگرش و اعتقادات ← انگیزه ← میل ← اقدام و عمل (رفتار) ← جزا (بازخورد) عمل
این اصلی است که در علم روان‌شناسی اجتماعی به قاعده اکتشافی نگرش مصطلح شده است. طبق این قاعده، نگرش فرد نسبت به مسئله‌ای در نحوه ارزیابی آن مسئله پدیدار می‌شود (ارونسون، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲). انسان‌ها با چگونگی ارزیابی اعمال دیگران، انگیزه‌ها، شناخت‌ها و تمایلات خود را نسبت به آن کار نشان می‌دهند (همان، ص ۴۰۲). به طور مثال، زمانی که انسان در جهت ارزیابی فعل دیگران، استنباط‌های مثبت خود را از عملکرد آنها ارائه می‌کند و به عبارت دیگر، درصد عذرتراشی و توجیه عملکرد آنها برمی‌آید، به گونه‌ای نگرش و تمایل موافق و همسوی خود را نسبت به آن فعل نشان می‌دهد. ازاین‌رو، می‌توان نگرش و خواست‌های افراد را با توجه به نوع قضاوت‌ها، توجیهات و استنباط‌هایشان نسبت به مسائل تتبع کرد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت: فرد توجیه‌کننده با عمل فرد یا گروه هم عقیده بوده است. افزودنی است که در روایات، چنین دآوری‌های مثبت از عملکرد افراد و انگیزه‌ها و نگرش‌های موافق با آنها منجر به یکسان‌انگاری جزای فرد عامل و فرد توجیه‌کننده می‌شود؛ زیرا که فرد توجیه‌کننده با استنباط مثبت خویش نشان می‌دهد که وی همچون فرد عامل بدان امر متمایل بوده و در صورت فراهم بودن شرایط اقدام به انجام عمل می‌کند. ظرافت این اصل در کلام امام صادق علیه السلام روشن است: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ عَدَرَ ظَالِمًا بِظُلْمِهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَنْ

يُظْلِمُهُ فَإِنْ دَعَا لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ وَلَمْ يَأْجُرْهُ اللَّهُ عَلَى ظُلْمَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۴)؛ هر کس برای ستمکاری در ستمی که کرده است، عذر بتراشد (و درصدد دفع سرزنش و ملامت مردمان نسبت به او برآید) خداوند بر او مسلط کند کسی را که به او ستم کند، و اگر دعا کند (که آن ستم را از او دور کند) مستجاب نکند، و در برابر ستمی که به او شده پاداشی به او ندهد.

جلوه‌های انگیزه در رفتار

انسان‌ها در جهت تحقق انگیزه‌های خود می‌کوشند و در همین راستا رفتارهایی را بروز می‌دهند که می‌توان از آنها به جلوه‌های انگیزه یاد کرد. در واقع، رفتار یکی از منابع غنی انگیزش است و از طریق رفتار می‌توان به انگیزه فرد پی برد. اما باید توجه داشت که انگیزه واحد می‌تواند جلوه‌های انگیزشی متفاوتی را به همراه داشته باشد، که در ذیل متناسب با بحث قرآنی و روایی به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. توجه ارادی و آگاهانه

توجه کردن انسان به هر شیء‌ای معلول، انگیزه دورنی وی است. بدین معنی که انسان بنا بر علل خاصی، از میان همه عوامل محیط به چند عامل توجه می‌کند (ل‌مان، بی‌تا، ص ۲۸۴). به بیانی روشن‌تر، انگیزه، توجه انسان را هدایت می‌کند. از دیدگاه محققان، فرایند توجه کردن قابل تقسیم به توجه غیرارادی، توجه ارادی و توجه عادی است. افراد در توجه غیرارادی، بدون خواست نسبت به عاملی شدید در محیط توجه می‌کنند و اگر افراد بنا بر عادت و نحوه زندگی خود به مسائلی خاص توجه کنند، در واقع بدان مسائل توجه عادی کرده‌اند. اما در صورتی که فرد با خواست خود به مسئله یا شیء‌ای توجه کند، در اصطلاح روان‌شناسان توجه ارادی به آن امر کرده است. به طور مثال، فرد گرسنه به اعلان‌های مربوط به خوردنی‌ها زودتر توجه می‌کند؛ زیرا وی گرسنه است (همان، ص ۲۹۲).

با شناخت به این امر می‌توان گفت: میان توجه ارادی و انگیزه‌ها و نیازهای انسان ارتباط مستقیم وجود دارد. بدین معنی که توجه فرد به مسئله‌ای خاص از میان مسائل موجود، نشان از وجود انگیزه و نیاز مرتبط با همان مسئله خاص در درون فرد می‌باشد و همین موجب می‌شود که به سایر مسائل موجود دیگر توجهی ویژه نداشته باشد. از این رو، تحلیل توجه ارادی نقشی مؤثر در فهم گرایش‌ها و نیازهای فرد دارد.

توصیف و بازگو کردن یک مسئله می‌تواند از مصداق‌های توجه ارادی باشد؛ فرد به دلیل انگیزه و میل درونی به واقعه و جریانی خاص، سعی بر آن دارد که بدان مسئله مورد انگیزه خود توجه کند. از این رو، توجه ارادی خود را به شکل توصیف و بازگو کردن بروز می‌دهد. اما نکته قابل توجه در جایی است که این نوع از توجه موجب اشاعه آن می‌شود؛ زیرا زمانی که فرد به مسئله‌ای خاص توجه کرده و از آن یاد می‌کند، در واقع به گونه‌ای موجب اشاعه آن نیز شده است. باید توجه داشت که این‌گونه توجه کردن و بازگویی در تمامی حالات و شرایط نمی‌تواند مفید و مؤثر باشد، چنان‌که خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره مبارکه نور از اشاعه و بازگویی وقایع در امور منفی و ناپسند نهی کرده است و عذاب دنیوی و اخروی را برای اشاعه‌کنندگان وعده داده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان رواج یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

همچنین در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین امر نقل شده است: «مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِيهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۶)؛ هر کس کار زشتی را فاش کند مانند کسی است که آن را انجام داده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در روایت مذکور با کاربرد تشبیه، فرد اشاعه‌دهنده را همچون فرد عامل مذمت می‌کنند و این تشبیه از جهتی است که فرد اشاعه‌دهنده از درون انگیزه‌ای مثبت و قوی به عمل عامل دارد، لذا توجه برخاسته از خواست و اراده خود را با بازگویی بروز می‌کند. در حقیقت، بازگویی یک مسئله و توجه خاص بدان مسئله نشان از انگیزه و میل درونی همسو با فرد عامل است و چه بسا افزون بر انگیزه مشترک، پیامدهای منفی عمل با بازگو کردن نیز تجدید شود.

۲. رفتار هیجانی

هیجان‌ات همان احساسات و عواطفی هستند که برانگیخته از تغییرات جسمی یا افکار و باورهای شخص و یا رفتاری در محیط می‌باشند. بر اساس دیدگاه روان‌شناسان، اگر کسی احساسات خویش را همچون ترس، خشم، شادی، نفرت، غم، تعصب و... نسبت به امری بروز دهد، به‌گونه‌ای هیجان‌های درونی خود را به مرحله ظهور رسانده است. این جلوه‌های هیجانی، پیام‌های قدرتمندی هستند که به راحتی احساسات فرد را به اطرافیان معرفی

می‌کنند. از این رو، هیجان درونی می‌تواند در نهایت به صورت یک رفتار هیجانی پدیدار شود. برای مثال، هیجان شادی فرد می‌تواند به صورت یک رفتار هیجانی همچون خندیدن تجلی یابد (ریو، ۱۳۹۵، ص ۴۴۶؛ حقانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱).

انسان‌ها در طول زندگی خود دارای انگیزه‌ها و اهدافی هستند که در جهت تحقق آن تلاش می‌کنند، حال زمانی که فردی در مواجهه با موقعیتی انگیزه خود را محقق یافته درمی‌یابد و به عبارت دیگر، انگیزه تحقق یافته خود را مطابق با انتظاراتش می‌بیند، حس رضایتمندی در او پدید می‌آید. در واقع، این انطباق انتظار با انگیزه تحقق یافته برای شخص حس رضایت را به وجود می‌آورد که این حس رضایتمندی و ارزیابی مثبت از آن مسئله می‌تواند واکنش‌های هیجانی در برابر آن مسئله نیز به همراه داشته باشد (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۴۲). از جمله این واکنش‌های هیجانی می‌توان به مدح و ثنای فرد راضی در برابر آن انگیزه تحقق یافته اشاره کرد. فرد راضی، ارزیابی مثبت خود را نسبت به آن انگیزه تحقق یافته به صورت مدح کردن و عدم اظهار برائت واکنش نشان می‌دهد. بدین معنی که مدح و عدم اظهار برائت نشان از این دارد که آن مسئله مطابق با خواست و انگیزه فرد بوده است و فرد از این تطابق اظهار رضایتمندی می‌کند و به صورت رفتار هیجانی آن را پدیدار می‌کند. بنابراین، هر گونه رفتار هیجانی به خوبی می‌تواند نمایانگر احساس و انگیزه فرد نسبت به آن مسئله باشد.

شایان توجه است که نمونه‌ای از رفتار هیجانی برخاسته از رضایت و انگیزه تحقق یافته در تحلیل امام معصوم در ذیل آیه ۱۸۳ آل عمران دیده می‌شود. در این آیه خداوند متعال، یهودیان زمان پیامبر را به جهت قتل انبیاء گذشته عتاب می‌کند و چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ همانان که گفتند: خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند. بگو: قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟ سؤالی که با خواندن آیه در ذهن ایجاد می‌شود؛ چرایی عتاب حاضران به جهت عملکرد گذشتگان است که امام صادق علیه السلام به خوبی آن را پاسخ داده‌اند: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: لما نزلت هذه الآية (آل عمران: ۱۸۳): «قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ...» و قد علم ان قالوا: والله ما قتلنا ولاشهدنا. قال: وانما قيل لهم: ابرءوا من قتلهم، فأبوا». امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که این آیه نازل شد: «قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ...» [چرا این قتل به آنها نسبت داده شد] با اینکه خدا می‌دانست که آنها گفتند: به خدا سوگند که نه ما آنها را کشتیم و نه شاهد کشته شدن آنها بودیم. امام فرمودند: به این دلیل بود که به آنها گفته شد: از قتل انبیاء اظهار برائت کنید ولی آنها این کار را نکردند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۱۶). همان‌طور که در روایت نقل شده است، امام صادق علیه السلام رفتار هیجانی یهودیان زمان پیامبر نسبت به عملکرد یهودیان سابق را عامل چنین عتابی می‌داند؛ زیرا که احساس رضایت، ارزیابی مثبت و عدم اظهار برائت از عملکرد آنها دلیل بر وجود انگیزه و میل مشترک با آنها بوده است و همین امر دلیل بر مشارکت دانستن در جزای عمل یهودیان سابق می‌باشد.

بنابراین، اظهار محبت و عدم برائت از یهودیان سابق نسبت به ارتکاب قتل انبیاء از این حقیقت پرده برمی‌دارد که آنها هیجانی همگرا با اجداد خود داشته‌اند و این مهم همان عامل حکم خداوند متعال بر جزای مشترک در آیه ۱۸۳ سوره آل عمران می‌باشد. چنان‌که خداوند، گناه قتل انبیای گذشتگان را به یهودیان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تعمیم می‌دهد: «قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ فَلَمَّا قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». همچنین باید افزود که شاید یکی دیگر از علل صدور چنین حکمی، تقویت و ترویج چنین عملکردی باشد که در علم روان‌شناسی به «تقویت‌کننده» مصطلح شده است. منظور از تقویت‌کننده‌ها، هر گونه رفتاری است که موجب تقویت احتمال تداوم عملکرد در آینده می‌شوند (ریو، ۱۳۹۵، ص ۱۶۷). نمونه دیگر را می‌توان به روایت «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخْلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ: إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ، وَ إِثْمُ الرِّضَى بِهِ» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۳۱) اشاره کرد که فرد راضی به انجام فعل همچون فرد عامل در نظر گرفته می‌شود. شاید از این‌گونه آیات و روایات بتوان چنین برداشت کرد که هر گونه عمل و تظاهر رضایت‌بخش نسبت به عملی از جمله مدح کردن و دیگر رفتارهای تمجیدی موجب می‌شود که احتمال ارتکاب، تکرار و بروز آن عمل در آینده تقویت شود. به بیانی ساده، فرد عامل با تمجید فرد راضی از حمایت بیرونی برخوردار می‌شود که موجب تقویت انگیزه و بروز عمل مجدد می‌شود. از این‌رو، می‌توان سزای چنین تقویت و تأثیر در آینده را همان جزای مشترک با فرد عامل برشمرد.

انگیزه ← تحقیق انگیزه بر طبق انتظار در شخصی دیگر ← حس رضایتمندی (حسی درونی) ← بروز رفتار هیجانی نسبت به آن شخص (مانند مدح کردن) ← تقویت انگیزه بر تداوم رفتار در آن شخص

یکی دیگر از نمونه‌های این اصل در کلام معصومین علیهم‌السلام، سخن امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به شخصی است که در اخبار امام صادق علیه‌السلام بر جزای فرزندان قاتل امام حسین علیه‌السلام تشکیک وارد می‌کند: «ای فرزند رسول خدا، درباره روایتی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة خروج کنند فرزندان قاتلین امام حسین علیه‌السلام را به خاطر کردار پدرانشان می‌کشد چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمودند: واقع همین است. عرض کردم: پس فرموده حق تعالی در قرآن: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد) معنایش چیست؟ حضرت فرمودند: خداوند در تمام اقوالش صادق است ولی در عین حال باید توجه داشته باشی که فرزندان قاتلین امام حسین علیه‌السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آنها افتخار می‌کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد همچون شخصی است که آن چیز را انجام داده» فرزندان قاتلین همچون قاتلین سیدالشهداء می‌باشند و اگر شخصی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب به این قتل، راضی و خشنود باشد راضی با قاتل نزد خدا شریک در قتل می‌باشد و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی می‌باشند، لاجرم حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة وقتی خروج نمودند، ایشان را می‌کشد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۹).

تأمل در پاسخ امام رضا علیه‌السلام برای رفع اشکال مذکور، به خوبی نشان می‌دهد که بروز رفتار هیجانی فرد نسبت به قتل امام حسین علیه‌السلام، افتخار کردن، نشان از حس درونی مشترک با عاملین به قتل امام حسین علیه‌السلام دارد. از این رو، با صرف نظر از بُعد زمانی و مکانی، هر فردی با چنین ویژگی مشترک در قتل آن امام معصوم علیه‌السلام شریک می‌باشد.

۳. واکنش‌های جبرانی

انسان‌ها در زندگی روزمره خویش برای تحقق بخشیدن به انگیزه‌ها و هدف‌های خود اقداماتی را انجام می‌دهند که گاهی اوقات نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. بدین جهت، به دنبال جبران کردن آن انگیزه محقق نشده برمی‌آیند. در علم روان‌شناسی به این‌گونه برخورد با انگیزه‌های محقق نشده، «واکنش‌های جبران‌کننده» می‌گویند. مجموع واکنش‌های جبران‌کننده دو دسته‌اند: الف. گزینش انگیزه‌ای دیگر به جای انگیزه محقق نشده. برای مثال، جوانی که نیازمندی‌های عشقی او برآورده نشده است، ممکن است همه وقت و نیروی خود را صرف ورزش کند؛ یعنی انگیزه‌ای جدید را برای جبران انگیزه محقق نشده

جایگزین می‌کند؛ ب. گزینش راه تجلی دیگر برای تجلی انگیزه محقق نشده. برای مثال، زنی که نمی‌تواند از خود کودکی داشته باشد، در کودکستان مشغول به خدمت می‌شود. در واقع، برای تحقق انگیزه خویش راهی دیگر را انتخاب می‌کند (ل‌مان، بی‌تا، ص ۱۳۶).

انگیزه ← تلاش برای تحقق انگیزه ک (دو حالت)

الف ← تحقق انگیزه و مطابقت با انتظار ← حس رضایتمندی ← بروز رفتار هیجانی

ب ← عدم تحقق انگیزه و عدم تطابق با انتظار ← عدم رضایت ← گزینش راهی دیگر برای

تحقق انگیزه (واکنش جبرانی)

هدف ما در این مقاله، پرداختن به قسم دوم واکنش‌های جبران‌کننده می‌باشد؛ زیرا در قسم دوم انگیزه ثابت بوده و راه تحقق انگیزه متغیر می‌باشد. در موارد متعددی دیده می‌شود که فرد با موانعی مواجه می‌شود که نمی‌تواند انگیزه خود را جامه عمل ببوشاند؛ لذا درصدد آن برمی‌آید که اقداماتی دیگر هرچند کوچک در ارضای و اقناع آن انگیزه خود انجام دهد. برای مثال، فردی به دلایلی قدرت بر قتل کسی ندارد، اما به لحاظ قوت محرک درونی و انگیزه‌اش نسبت به آن فعل، سعی بر آن دارد که انگیزه خود را با انجام کاری دیگر در راستای همان فعل اقناع کند و اسباب قتل را اعم از آلت قتل، فراهم کردن محیطی امن برای قتل و... فراهم می‌کند. بدین ترتیب، فرد علی‌رغم عدم دخالت مستقیم در فعل، با فراهم کردن آماده‌سازی مقدمات انجام فعل، درصدد تحقق آن بر می‌آید.

این مهم به تعدد در کلام خداوند و معصومین علیهم‌السلام در قالب گزارش‌ها و داستان‌های گذشتگان تذکر داده شده است. خداوند متعال در ۵ سوره مبارکه قرآن کریم داستان قتل ناقه حضرت صالح علیه‌السلام را حکایت می‌کند، از جمله آیات ۷۷ و ۷۸ سوره اعراف، ۶۵ سوره هود، ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره شعراء، ۱۴ سوره شمس و ۲۹ سوره قمر. در تمامی این آیات به جز سوره قمر با به کار بردن افعال به صیغه جمع، بیان می‌دارد که گروهی ناقه حضرت صالح علیه‌السلام را به قتل رسانده‌اند. اما باید توجه داشت که در آیه ۲۹ قمر، فعل به صیغه مفرد به کار رفته است: «فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ». کاربرد صیغه مفرد در این آیه به انضمام روایات متعدد منقول از معصومین در تبیین داستان ناقه، بیانگر این است که قاتل اجرایی تنها یک نفر بوده است، اما افراد موافق به این قتل به جهت موافقت، همکاری با قاتل و فراهم‌سازی مقدمات قتل همچون قاتل در نظر گرفته شده‌اند و این همان دلیلی است که آیات دیگر به صورت صیغه جمع به کار رفته است.

یکی از این روایات، سخن امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه است که به صراحت مجری قتل ناقه را در یک نفر منحصر می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسُّخْطُ وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثُمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۹). علاوه بر آن، خبری منقول از قتاده نشان می‌دهد که مجری قتل یک نفر بوده است، اما افرادی دیگر با انگیزه مثبت نسبت به انجام این امر و بیعت کردن با وی مشارکت داشته‌اند: «ابتدا قاتل ناقه نزد همه قوم رفت تا ببیند که آیا آنها هم به این کار رضایت دارند، حتی نزد خانم‌ها در منازلشان و بچه‌ها و کودکان نیز رفت و این همان ظاهر قول خداوند متعال است که می‌فرماید: «فكذبوه فعقروها...» و «فَعَقَرُوا النَّاقَةَ»، نسبت دادن این کار به تمام قبیله توسط خداوند متعال نشان می‌دهد که همه آنها به این کار راضی بودند». لازم به ذکر است که غالب مفسران به این کاربرد متفاوت صیغه افعال توجه داشته‌اند و به ذکر روایت فوق در ذیل آیات مرتبط اهتمام داشتند که این خود بیانگر پذیرش مفسران بر این روایت می‌باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۹۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۱، ص ۷۹؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۶۵؛ طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۰؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۰۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۸۹).

تأثیرگذاری انگیزه بر جزا در موقعیت‌های محدود

در موارد بسیاری از آیات و روایات به مضامینی برمی‌خوریم که رابطه‌ای تساوی میان جزای فرد راضی و جزای فرد عامل لحاظ شده است. با گردآوری آیات هم مضمون و تشکیل خانواده حدیثی می‌توان دریافت که یک عامل مشترک در میان فرد راضی و فرد عامل منجر به جزای یکسان شده است. در واقع، وجود انگیزه مشترک منجر به جزای یکسان گردیده است که آیات و روایات ذیل تأییدکننده قدرت انگیزه در تعیین جزای فرد می‌باشد. اینک به نمونه‌هایی از آیات و روایات پرداخته می‌شود که علی‌رغم وجود موانع و محدودیت‌ها برای فرد قاصد، جزای فرد عامل به وی داده می‌شود که همگی به گونه‌ای اذعان بر عامل قدرتمند انگیزه دارند.

هر فرد دارای انگیزه برای اجرای قصد و انگیزه خود تلاش می‌کند، اما گاه در مسیر اجرای قصد با محدودیت‌ها و یا موانعی روبرو می‌شود که قادر به انجام و فرجام قصد خود نمی‌باشد. منظور از محدودیت و موانع، بُعد و گسست زمانی یا جغرافیایی، مرگ، ناتوانی جسمی اعم از

بیماری، پیری است که برای هر یک نمونه‌ای از روایات آورده می‌شود.

گسست زمانی یا جغرافیایی: یکی از مواردی که قدرت انسان در انجام فعلی را می‌کاهد، فاصله زمانی یا مکانی از موقعیت و مسئله‌ای خاص است که فرد با وجود داشتن انگیزه، قادر به انجام فعل نمی‌باشد. اما با توجه به آیات و روایات چنین مانع فعلی، مانع از جزا نمی‌باشد، بلکه جزا بر اساس انگیزه تعیین می‌شود؛ زیرا فرد همان قصد و انگیزه فرد عامل را داشته است و این بدان معناست که در صورت رفع موانع، قاصد نیز همچون عامل وارد عمل می‌شود. خداوند متعال در آیات ۵۵، ۶۱ و ۶۳ سوره بقره، قوم بنی‌اسرائیل در زمان پیامبر ﷺ را مورد خطاب و سرزنش قرار می‌دهد و به جهت عملکرد اجدادشان مؤاخذه می‌کند: «وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ». اگرچه قوم بنی‌اسرائیل زمان رسول الله ﷺ به دلیل بُعد زمانی و مکانی، مشارکت و دخالت مستقیم در افعال گذشتگان نداشته‌اند، اما به جهت پیروی از روش آبائشان و تداوم عقیده و اخلاق آنان، همچون موجود متصل و واحدی در نظر گرفته شده‌اند که یک سر آن در زمان گذشته و سر دیگرش در زمان پیامبر ﷺ باشد (حسینی تهرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۲۷۸-۲۸۴). این پرده از قدرت انگیزه برمی‌دارد که در صورت رفع بُعد زمانی و مکانی، قوم بنی‌اسرائیل همچون گذشتگان عمل می‌کردند.

ناتوانی جسمی: یکی دیگر از موانع و محدودیت‌ها بر انجام فعل، ضعف و ناتوانی جسمی است که می‌تواند اعم از بیماری و یا پیری باشد. در حدیثی قدسی از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِالْمُؤْمِنِ إِذَا مَرِضَ أَكْتُبُ لَهُ مَا كُنْتُ تَكْتُبُ لَهُ فِي صِحَّتِهِ فَإِنِّي أَنَا الَّذِي صَيَّرْتُهُ فِي حَبَالِي» (حرعاملی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۱۳)؛ خداوند به ملکی که برای شخص مؤمن موکل است که هنگام بیماری از وی مراقبت کند، می‌فرماید: بنویس برای این بنده مؤمن همان اعمالی را که در حال سلامتی برایش می‌نوشتی (یعنی انجام می‌داد و او هم می‌نوشت، حالا که بیمار شده و نمی‌تواند انجام بدهد باز هم برایش بنویس)، چون من هستم که او را بیمار کرده‌ام. از این رو، خداوند متعال در شرایط ضعف جسمی فرد همچون بیماری که محدودیت موقت و یا دائم برای انجام اعمال فرد ایجاد می‌کند، درب رحمت خود را بر او باز نگه می‌دارد و با وی همچون دوره سلامت‌اش برخورد می‌کند.

دوره پیری: همچنین دوره پیری نیز یکی از موارد محدودکننده قدرت انسان برای انجام آموزش می‌باشد. چنان‌که در قرآن کریم آیه ۶۸ سوره یس خبر از سختی این دوره می‌دهد و از آن به تغییر وضعیت و واژگونی تعبیر می‌کند. اگرچه بنا بر تصریح قرآن و واقعیت امر، گذران عمر در دوران پیری همراه با کم‌توانی است، اما بنا بر روایات، خواست و نیت فرد موجب می‌شود که فرد حتی در این دوران سختی و کم‌توانی در زمره عواملن قرار گیرد و همچون عاملان با وی برخورد شود.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا غَلَبَهُ ضَعْفُ الْكِبَرِ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمَلَكَ أَنْ يَكْتُبَ لَهُ فِي حَالِهِ تِلْكَ مِثْلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ وَهُوَ شَابٌ نَشِيطٌ صَحِيحٌ وَمِثْلَ ذَلِكَ إِذَا مَرَضَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَكْتُبُ لَهُ فِي سُقْمِهِ مَا كَانَ يَعْمَلُ مِنَ الْخَيْرِ فِي صِحَّتِهِ حَتَّى يَرْفَعَهُ اللَّهُ وَيَقْبِضَهُ وَكَذَلِكَ الْكَافِرُ إِذَا اسْتَعْلَجَ بِسُقْمِهِ فِي جَسَدِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مِنَ الشَّرِّ فِي صِحَّتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۲۶۳)؛ انسان مسلمان وقتی که در سنین بالا ضعف بر او غلبه می‌کند، خدا به فرشته امر می‌کند تا اعمالی را که در زمان جوانی و نشاط انجام می‌داد، الان هم برای او بنویسد، و همین‌طور در زمان بیماری، خدا فرشته‌ای را مأمور می‌کند تا اعمال خیری را که در زمان عافیت انجام می‌داد برای او بنویسد تا هنگام مرگ. همچنین است کافر در زمان بیماری، که خداوند متعال، اعمال بدی را که در زمان صحت و سلامتی انجام می‌داد، برایش می‌نویسد.

مرگ: حقیقتی که تمامی انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند، پدیده مرگ است که به ظاهر موجب انقطاع ارتباط فرد با دنیا می‌شود. باید توجه داشت اگرچه مرگ موجب انقطاع جسمی و ظاهری فرد از دنیا می‌شود، اما اعمال وی مادامی که تأثیرگذار در دنیا باشند، برای فرد میت ثبت می‌شود. این اصل به تعدد در کلام معصومین علیهم السلام تذکر داده شده است.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که سنت حسنه یا یک خیری را برای خودش به سنت و عادت تبدیل نکند و سپس حائلی (مانند مرگ) بین او و آن سنت فاصل شود، مگر اینکه خداوند متعال ثواب آن سنت را برای او منظور خواهد کرد» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۸). از این رو، می‌توان دریافت که حتی مرگ نمی‌تواند موجب انقطاع کامل فرد از دنیا شود، بلکه انگیزه فرد نسبت به اعمال موجب تأثیر در حیات اخروی وی می‌شود؛ زیرا که وی در صورت حیات، بدان اعمال ادامه می‌داد. بدین ترتیب، با توجه به موارد مذکور فهم یکسان‌انگاری جزای راضی و عامل سهل می‌شود.

نتیجه‌گیری

در طی بررسی مفهوم انگیزه و انعکاس آن در رفتار انسان‌ها با تکیه بر متون دینی می‌توان گفت که این محرک درونی از تأثیرگذاری زیادی برخوردار است. بدین صورت که گاه فرد راضی علی‌رغم عدم دخالت جوارحی و به دلیل انگیزه مشترک با فرد عامل در جزای عمل همچون فرد عامل در نظر گرفته می‌شود. اگرچه پژوهش‌های متعددی پیرامون نیت و تأثیر آن بر جزای عمل نگاشته شده است، اما به بررسی وجه و دلیل این تأثیرگذاری پرداخته نشده است. مطالعات روان‌شناسی و علوم رفتاری انسان به خوبی می‌توانند کمک‌رسان در تحلیل جزای یکسان فرد راضی و عامل باشند. اینک نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده در ذیل گزارش خواهد شد:

۱. توجیهات و عذرتراشی افراد درباره عملکرد دیگران نشان از نگرش آنها به آن مسئله می‌باشد که این امر خود بیانگر انگیزه مشترک با انگیزه فرد عامل می‌باشد.
۲. بنا بر آیات و روایات، قدرت انگیزه به حدی است که وجود محدودیت‌ها از جمله مرگ، گسست جغرافیایی و بُعد زمانی، ناتوانی جسمی مانع از جزا نمی‌شود. در واقع، خداوند متعال حتی در موقعیت‌های محدود بر اساس انگیزه افراد با آنها برخورد می‌کند و بدین صورت موانع هر چند مانع انجام عمل می‌باشند، اما مانع جزای عمل نمی‌توانند باشند.
۳. مدح کردن و رفتار تمجیدی از عملکرد فردی بیانگر انگیزه مشترک فرد راضی و عامل است و این خود منجر به تقویت احتمال تکرار آن عمل در آینده می‌شود. به بیانی ساده، فرد عامل با رفتار تمجیدی فرد راضی از حمایت بیرونی برخوردار می‌شود که موجب تقویت انگیزه و بروز عمل مجدد می‌شود.
۴. انسان‌ها در جهت تحقق انگیزه‌های خود تلاش می‌کنند، اما گاهی اوقات نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود و بدین جهت، سعی بر آن دارند که با انتخاب راهی دیگر در پی جبران کردن آن انگیزه محقق نشده برآیند. برای مثال، فردی که قادر به قتل کسی نمی‌باشد برای تحقق انگیزه خود راهی دیگر را انتخاب می‌کند و با فراهم‌سازی مقدمات قتل از جمله (فراهم کردن آلت قتل، مساعد کردن موقعیت مکانی و ...) در پی جبران آن انگیزه محقق نشده برمی‌آید. این اصل به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در یکسان‌انگاری جزای عامل و راضی به خوبی از آیات و روایات قابل فهم است.

منابع

- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق)، محقق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶)، شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، چ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: دارالشریف الرضی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، المحاسن، چ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵)، «پایه نظری رضامندی بر اساس منابع اسلامی»، پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ش ۳.
- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- حسینی‌تهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۶ق)، معادشناسی، مشهد: نور ملکوت قرآن.
- حقانی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، روان‌شناسی کاربردی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح‌الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ریو، جان مارشال (۱۳۹۵)، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ بیست و پنجم، تهران: ویرایش.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، چ ششم، تهران: دوران.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت‌الله مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- صادقی‌تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عروسی‌حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الافاق الجدیده.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چ دوم، قم: هجرت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ل مان، نرمان (بی‌تا)، اصول روان‌شناسی، ترجمه محمود صناعی، چ هفتم، تهران: نظر اندیشه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- O'donnel, A. M, Reeve, J, & Smith, J. K (2009), "Education psydhology: Reflection", USA, Wiley.